# اشاره

مقام اول در تقلید میت، تقلید ابتدائی از میت بود. بیان شد که اولاً این مسئله یکی از مایزهای بین عامه و خاصه به شمار می‌آید و عامه عمدتاً قائل به جواز تقلید ابتدائی هستند به خاطر همین هم مذاهب اربعه و تعبد به آن چهار شخص شکل‌گرفته است.

خاصه نیز در نقطه مقابل قرار دارد هرچند در هر دو طرف مخالفانی نیز وجود دارد. در طرف امامیه مخالفت از طرف میرزای قمی مطرح‌شده و بحث‌هایی پیرامون آن شد.

## اختصاص دلیل انسداد به مجتهد

بنا بر آنچه در جلسه قبل گذشت، گفتیم انسداد مخصوص مجتهد است و مجتهد است که محدودیتی ندارد و می‌تواند به مطلق ظنون عمل کند و فتوا بدهد و مقلد این‌چنین نیست. ازاین‌روی دلیل انسداد برای مجتهد، نمی‌تواند منتقل به مقلد بشود و مراجعه به ظنون به‌عنوان ظن مطلق تنها برای مجتهد حجت می‌تواند باشد.

## ملاحظه بر اختصاص دلیل

ملاحظه‌ای در اختصاص دلیل انسداد بر مجتهد بود. گفتیم شاید میرزای قمی هم مقصودش این بوده که گفته شود بعضی از ادله هست که تنها مجتهد برای تفسیر روایات و غیره که کار اجتهادی است می‌تواند به آن‌ها مراجعه بکند و این‌ها نمی‌شود در مورد مقلد اجرا شود، اما این علی‌الاصول است و ممکن است در مقابل این ادله، اماراتی و ادله‌ای پیدا بشود که به‌عنوان ظن مطلق تشخیصش برای مقلد هم آسان باشد؛ مانند فتاوای سابقین مثل فتاوای ابن عقیل که میرزای قمی می‌گوید می‌تواند مقلد به آن‌ها مراجعه بکند چراکه این‌گونه فتاوا نظرات نزدیک به عصر امامان بوده و تولید ظن می‌کند و مقلد می‌تواند به‌مانند این ظنون که فتاوای قدما است مراجعه بکند و فهم و تشخیصش چیزی نیست که بین مقلد و مجتهد چندان فرقی داشته باشد. در این نمونه‌ها می‌شود دلیل انسداد به مقلد هم سرایت بکند. لذا می‌شود در بعض امور استثنا گردد و دلیل انسداد در مورد مقلد نیز جریان پیدا بکند.

## جواب از ملاحظه

جواب این مسئله هم اینکه مثل این موارد خیلی کم است و از طرفی مراجعه به فتاوای گذشتگان نیز آسان نیست و نیاز به جمع‌بندی دارد که هر مقلدی نمی‌تواند و به‌نوعی نیاز به اجتهاد دارد. لذا این مطلب بالجمله غلط نیست اما خیلی محدود است.

## توجیه نظر اخباریان در تقلید ابتدائی از میت

در ارتباط با نظر اخباری‌ها نیز چنانکه در تنقیح آمده مرحوم آقای خویی می‌فرماید که از گروهی از اخباری‌ها نقل‌شده است مانند استرآبادی و غیره که تقلید ابتدائی از میت جایز است. سؤال این است که آیا نظر اخباری‌ها هم توجیه خاصی دارد یا خرق اجماع است.

 آقای خویی در اینجا هم می‌گوید که کلام ایشان در مراجعه به مجتهد میت از باب تقلیدی که بحث ما است نمی‌باشد، بلکه برمی‌گردد به یک اختلاف مبنایی، چراکه تقلید که آن‌ها می‌گویند با تقلید که ما می‌گوییم تقریباً مشترک لفظی است. تقلیدی که آن‌ها می‌گویند بر روی مبانی استوار است که روحش با مبانی ما از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

**توضیح:** اخباری‌ها می‌گویند مجتهدی که نظر می‌دهد شأن او همان محدث بودن است و در هر عصری هم شخص باید به همان اخبار مراجعه بکند و ما مستقیماً بر اخبار ائمه اطهار مراجعه می‌کنیم و همه مقلد ائمه هستیم و این واسطه‌ها به‌عنوان کارشناسانی که اجتهاد کرده باشند، نیستند؛ بلکه محدثان و راویانی هستند که بصیر هستند و تعارض اخبار را طبق نظر ائمه اصلاح می‌کنند و این چیزی است که اگر به خود مقلد هم بگویند تصدیق می‌کند. لذا تقلید را این‌ها فرو می‌کاهند و نازل می‌کنند به همین حد که آقای مجتهد تنها راه را باز می‌کند که شما اخبار را ببینید و شما طبق همان روایات عمل می‌کنید. به‌عبارت‌دیگر مجتهد در نگاه اخباری کمک‌کار شما هست نه اینکه خود او یک غور و اجتهاد و استنباط عمیق به معنای اصولی انجام دهد و حاصلش را در اختیار شما قرار دهد.

به خلاف نگاه به مجتهد در دیدگاه اصولی که نظر و حدس او در تشخیص سند، ظهورات و جمع ادله، دخالت دارد. در حدی که او دست شمارا نمی‌گیرد به سرچشمه منابع برساند بلکه خودش هست که وساطتش مستقل است و به این‌گونه نیست که شمارا به‌سادگی به منابع برساند.

در نگاه اخباری یک سطحی‌نگری است نسبت روایات و غیره و عجیب است که گفته‌اند ملاصدرا نیز همانند این حرف را گفته است، ولی بنده بعید به نظرم می‌آید که این‌گونه باشد و نظرم در مورد ایشان چیز دیگری است.

این تفاوت نگاه اخباری و اصولی به بحث اجتهاد است که اصول و مبانی آن را در مقدمات بحث اجتهاد بحث کردیم.

بنابراین مبنا تقلید به آن معنایی که ما می‌گفتیم نیست یا به‌عبارت‌دیگر تقلید به معنای کارشناسی که ما می‌گفتیم نیست، بلکه نقل اخبار است توسط راوی به مکلفین و نهایتاً دقتی است که مقلدین هم می‌توانند آن را داشته باشند.

مرحوم آقای خوی می‌گوید اینکه اخباری‌ها می‌گویند می‌شود از میت تقلید ابتدائی کرد به خاطر این تفاوت مبنایی است که مراجعه آن‌ها از باب اطلاع از اخبار و مراجعه به مخبر و راوی است و در این نیز فرقی بین زنده و مرده نیست چراکه در مخبر و راوی زنده‌بودن شرط نیست بلکه همه راویانی هستند که در نقل اخبار تلاش کرده‌اند لذا اشکال به کلام اخباری‌ها همین اشکال مبنایی است و کسانی خواسته‌اند اشکال بنایی نیز وارد کنند که خیلی وارد نیست.

## حاصل بحث

تاکنون ما طرح مسئله کردیم و تفاوت رأی عامه و خاصه را گفتیم و در عامه گفتیم که مخالفانی هستند کما اینکه در خاصه نیز مخالفانی هستند، منتها در حاشیه قرار دارند. مخالفت ایشان نیز به خاطر تفاوت‌های مبنایی بنیادی است وگرنه اگر این تفاوت‌های مبنایی را کنار بگذاریم نمی‌تواند این اختلافات موردتوجه باشد و اجماع را بشکند.

## بیان ادله طرفین

### ادله عدم جواز تقلید ابتدائی از میت

ابتدا ادله عدم جواز تقلید ابتدائی را می‌گوییم چون قول رایج و حاکم بر امامیه است و در ضمن ادله طرف مقابل هم روشن می‌شود.

**نکته:** برای مقدمه این نکته را باید توجه کنیم که ادعاشده است که اگر ما باشیم و این مسئله، چون مراجعه به کارشناس گفته‌شده است، فرقی بین زنده و مرده ندارد.

#### 1. دلیل اجماع

دلیل اجماع را آقای فاضل در شرح عروه مفصل‌تر از دیگران مطرح کرده است.

اجماع بر این ادعا بناشده است که در نگاه خاصه و امامیه تقلید آغازین و ابتدائی از مجتهد مرده درست نیست. این مطلب در دوره‌های متقدمین هم بودن و ادعای اجماع سابقه داشته است.

##### مناقشه به دلیل اجماع

مناقشه‌ای که به این اجماع شده است این است که گفته‌شده است این اجماع محتمل المدرکیه است. اجماعی که ما بدانیم یا احتمال بدهیم که قائلین به این قول و مجمعین، استنادشان بر این قول به خاطر وجود دلیلی بوده است و این اجماع پیوند خورده است با یک دلیل، بی‌ارزش خواهد شد. مثل نزع بئر که همه قبل از علامه می‌گفتند که باید فلان مقدار نزع بشود، منتها ما می‌دانستیم که این اجماعات به خاطر وجود روایاتی بوده و بعد از علامه با نگاه ثانوی که به این روایات دیده‌شده بود ملاحظه شد که این‌گونه که ایشان می‌گفتند نیست؛ لذا اجماعی ارزشمند است که در مسئله‌ای منعقد بشود که در آنجا دلیلی وجود ندارد و یا اگر دلیلی هم باشد می‌دانیم که اتفاق‌نظر علماء به خاطر این دلیل نبوده است که اگر این‌گونه اجماع حاصل گردد حجت خواهد بود.

از طرفی نیز باید اجماع در عصور متقدم حاصل‌شده باشد و به هیچ دلیلی مستند نباشد در غیر این صورت اجماع نمی‌تواند حجت باشد اما درجایی که مسئله‌ای در عصور متقدم مطرح بوده و فقها نیز نظر داده‌اند و این نظر فقها نیز مستند به هیچ دلیلی نیست در اینجا می‌توان گفت اجماع حاصل گشته و حجت خواهد بود.

##### جواب از مناقشه

ما در جواب این مناقشه که می‌خواهد اجماع را رد کند دو نکته داریم که این نکات مهم است که یکی از آن‌ها را آقای فاضل نیز گفته‌اند. نکته‌ای که می‌توان گفت این است که این مسئله باملاحظه یکی دو نکته که عرض می‌کنیم با مسائل دیگر متفاوت است و آن اینکه این مسئله از مسائلی است که مرز بین شیعه و سنی است. در اینجا نمی‌توان این اجماع را کنار گذاشت بلکه می‌توان گفت که این اجماع کاشف ازنظر امام معصوم است چراکه هم‌زمان با عصر امامان بود که در میان اهل سنت مذاهب شکل گرفتند و هم‌زمان با این‌ها این مرز بین شیعه و سنی نیز در این مسئله شکل گرفت و شیعه یک‌راه دیگری را در پیش می‌گیرد که این نشان‌گر این است که این اجماع کاشف ازنظر امام معصوم است.

نکته دوم اینکه این اجماع علی‌رغم این است که روایات اطلاق دارد و روایات می‌گوید که به کارشناس مراجعه کن بدون قید زنده یا مرده بودن آن، همچنین علی‌رغم این‌که سیره عقلا ممکن است بگوید که لازم نیست که به زنده مراجعه شود و همچنین علی‌رغم اینکه در روایات شاهدی مطابق این نیست و شاید مخالف این هم باشد. منتها با همه این شواهد خلاف می‌بینیم که گفته‌شده نمی‌شود از مجتهد مرده تقلید ابتدائی کرد و همین مسئله پرچم تفاوت شیعه از اهل تسنن قرارگرفته است و در آن عصر اوایل که زمان امام است می‌بینیم که به نظر راوی مجتهد عمل می‌کنند و این اجماع حاصل‌شده است و حتی بالاتر از اجماع اینکه گفته‌شده است عدم جواز تقلید ابتدائی از میت از باب ضرورت مذهب است.